استفاده از روش دلفی فازی برای تعیین سیاستهای مالیاتی کشور

نیلوفر جعفری **غلامعلی منتظر***

دانشجوی دکتری مهندسی صنایع **استادیار مهندسی فنّاوری اطلاعات**

دانشکده فنی و مهندسی – دانشگاه تربیت مدرّس

نشانی:تهران، تقاطع بزرگراه‌های شهید دکتر چمران و آل احمد، دانشگاه تربیت مدرّس،

صندوق پستی ۱۷۹-۱۴۱۱۵ ، تلفن: ۳۹۹۰-۸۸۰۱۱۰۰۱-۰۲۱

پیام نگار: montazer@modares.ac.ir

چکیده: طبق برنامهٔ چهارم توسعهٔ کشور، باید اعتبارات هزینه‌ای از محل منابع غیرنفتی (به‌طور عمده مالیات) تأمین شود لیکن آمار نشان می‌دهد نسبت مالیات به بودجهٔ جاری در ایران به‌طور متوسط ۳۶ است. براساس این آمار راهی دشوار و طولانی پیش‌روی سیاستگذاران و مدیران اجرایی این عرصه وجود دارد. وجود سیاستهای مالیاتی مؤثر یکی از عوامل مهم در تحقق اهداف مالیاتی است لیکن تدوین این سیاستها فعالیتی چند بُعدی و دشوار و نیازمند بهره‌گیری از خرد جمعی صاحبان منافع اصلی مالیات در بخشهای مختلف فعالیتهای اقتصادی است. اما این خبرگان با توجه به ذهنیت خود برداشتهای متفاوتی از مفهوم سیاستهای مالیاتی، میزان تأثیر آنها بر اقتصاد و اولویت‌بندی اجرای آنها دارند.

در این مقاله از روش دلفی برای تصمیم‌گیری گروهی و از نظریهٔ فازی برای مدلسازی متغیرهای زبانی و عدم قطعیت موجود در نظریات متخصصان استفاده شده است و بر اساس آن طیّ سه پانل دلفی فازی، مهمترین سیاستهای مالیاتی کشور استخراج می‌شود. مهمترین حُسن این سیاستها دربرداشتن اتفاق نظر همهٔ خبرگان و نیز پوشش عدم قطعیت موجود در ذهنیت آنان است.

کلید واژگان: مالیات، سیاست مالیاتی، منطق فازی، متغیر زبانی، روش دلفی فازی

۱- مقدمه

مالیات به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر در جوامع بشری مطرح است. این واقعیت در کشورهای ثروتمند که دارای منابع طبیعی هستند و همچنین در کشورهایی که فاقد چنین ثروتهایی هستند نیز وجود دارد. امروزه

* نویسندهٔ عهده دار مکاتبات

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

نمی‌توان در دنیا اقتصادی را مورد مطالعه قرار داد که مالیات به عنوان یک عامل مؤثر در آن شناخته نشود. مالیات نوعی قرارداد اجتماعی است که آن را همزاد حکومتها می‌دانند. حاکمان هیچگاه منبعی مطمئن‌تر از مالیات برای هزینه‌های خود نیافته‌اند. ایرانیان بیش از سه هزار سال است که با مالیات آشنایی دارند، اما به دلایل تاریخی هرگز با آن مودت برقرار نکرده‌اند. اکنون در سالهای نخستین هزاره سوم ناگزیرند که آن را به عنوان یک رکن اقتصادی بپذیرند و پس از دویست سال از زیر سایه سیاه اقتصاد نفتی رهایی یابند *(سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۸۳)*.

مالیات مبلغی است که دولت بر اساس قانون و به منظور تقویت عمومی حکومت و تأمین مخارج عامه از اشخاص، شرکتها و مؤسسات دریافت می‌کند. مالیات از مهمترین زیرساختهای اقتصادی است که در رشد و توسعهٔ پایدار، تأمین عدالت اجتماعی از طریق توزیع مجدد درآمد و ثروت و تخصیص بهینه منابع نقش دارد. همچنین با اخذ مالیات عادلانه و واقعی می‌توان بر مشکلات مهم اجتماعی‌واقتصادی دولتها مانند کسری بودجه، معضل بیکاری و کاهش سرمایه‌گذاری در بخشهای تولیدی فایق آمد. مالیات نه تنها در کشورهای توسعه یافته بلکه در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته نیز سهم و جایگاه مهمی در تأمین هزینه‌های‌جاری دولتها یافته است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل تغییر نگرشهای بنیادین در این حوزه، توفیق یافته‌اند که شاخصهای مالیاتی را درکشورهای خود حتی از کشورهای پیشرفته نیز بیشتر ارتقا دهند. به عنوان مثال در حالی که نسبت مالیات به بودجهٔ جاری درامریکا ۱۰۵، دراسترالیا ۱۰۴، درآلمان ۹۱ و درفرانسه ۸۷ است، درشیلی به ۱۱۳، درزامبیا به ۱۱۹ و درتایلند به ۱۶۴ رسیده است. این نسبت در ایران همواره کمتر از ۴۰ و به طور متوسط ۳۶ بوده است. این آمار حاکی از آن است که راهی دشوار و طولانی پیش روی سیاستگذاران و مدیران اجرایی این عرصه وجود دارد *(سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۸۳)*.

وجود سیاستهای‌مالیاتی مؤثر و کارآمد یکی از عوامل مهم درتحقق اهداف مالیاتی است. سیاست‌مالیاتی نشانه‌ای از حاکمیت ملّی و بخشی از سیاستهای‌اقتصادی هرکشوری است. سیاستهای مالیاتی در نحوهٔ سرمایه‌گذاری‌های عمومی و بازتوزیع درآمدها بسیار مؤثر هستند *(کمیسیون اروپا، ۲۰۰۰)*. البته این سیاستها باید به‌گونه‌ای تدوین‌شود که ضمن افزایش درآمدهای‌مالیاتی، موجب نارضایتی عامهٔمردم نشده و تأثیر نامطلوبی را بر پیکرهٔ اقتصاد کشور (به لحاظ تورم، بیکاری و ...) وارد نسازد. لذا تدوین این سیاستها فعالیتی چند بُعدی و دشوار است؛ ضمناً تجربه چشم‌گیری نیز در این زمینه درکشور وجود ندارد. لذا ماهیت مسأله وحل آن به‌گونه‌ای است که حصول به دستاوردهای‌عینی مستلزم همفکری وهمکاری خبرگان در بخشهای مختلف جامعه است. لذا در این مقاله از روش‌دلفی‌فازی برای تدوین سیاستهای‌مالیاتی استفاده می‌شود. درادامه در بخش۲ مقاله، مسألهٔ تدوین

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

سیاستهای مالیاتی و اهمیت آن تشریح می‌شود. سپس در بخش۳ ضمن مروری بر روش دلفی فازی و برخی از کاربردهای آن، تفاوت این روش با روش‌دلفی بیان می‌شود. در بخش۴ نیز چگونگی اجرای روش دلفی فازی برای تعیین سیاستهای مالیاتی به‌تفصیل ارائه شده و درپایان نیز نتایج و یافته‌های مقاله بیان می‌شود.

۲- بیان مسأله

کشور ایران دارای ذخایر عظیم نفت و گاز است و اقتصاد آن در طی بیش از نیم قرن اخیر بر پایهٔ بهره‌برداری و فروش منابع هیدروکربنی شکل گرفته است. از سوی دیگر طبق برنامهٔ پنجساله چهارم توسعه کشور (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸)، اعتبارات هزینه‌های دولت باید از محل منابع غیرنفتی تأمین شود؛ بنابراین بخوبی مشخص می‌گردد که راهی بسیار طولانی برای اینکه درآمدهای مالیاتی بتواند بودجه طرحهای عمرانی کشور را نیز تأمین کند وجود دارد. بدین ترتیب شکاف زیادی میان وضعیت‌موجود و وضعیت‌مطلوب (وضعیت کشورهایی در جهان که اقتصاد آنها متکی برسرمایه‌های معدنی نیست) برای وصول مالیات احساس می‌شود که نیازمند طرحریزی جسورانه در جهت تحولات گسترده و عمیق است. از اقدامات اولیه و بنیادین تأمین مخارج دولت از طریق مالیات، تدوین و اجرای سیاستهای (خط‌مشی‌های) مالیاتی ویژه‌ای است که ضمن افزایش درآمدهای مالیاتی، موجبات نارضایتی عامه مردم فراهم نشده و تأثیر نامطلوبی را بر پیکرهٔ اقتصاد کشور (از لحاظ تورم، بیکاری و ...) وارد نسازد، ضمناً قادر باشد با حمایـت از تولید در مقابل مصرف، شرایطی را به منظور باز توزیع عادلانهٔ درآمدها فراهم سازد. در نتیجه طراحی و تدوین سیاستهای مالیاتی فعالیتی دشوار، چند بُعدی و مخاطره‌آمیز است و تأثیر شگرفی را بر روابط اقتصادی و اجتماعی می‌گذارد. بنابراین ماهیت مسأله به‌گونه‌ای است که حصول به دستاوردهای‌عینی مستلزم همفکری و همکاری اندیشمندان وخبرگان دربخشهای مختلف جامعه است تا بدین ترتیب ماحصل تفکر آنان در چارچوب سیاستهای برنامه‌های پنجساله به دولت و در نهایـت به سازمان امور مالیاتی کشور ابلاغ شود.

سازمان امور مالیاتی کشور تنها سازمان دولتی است که برای افزایش کارایی نظام مالیاتی کشور و تمرکز کلیهٔ امور مربوط به جمع‌آوری درآمدهای حاصل از مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم دولت ایجاد شده است. سازمان بر این اعتقاد است که می‌تواند با اجرای مطلوب قوانین مالیاتی و تحقق اهداف مالیاتی دولت نقش مؤثری در راستای دستیابی به اقتصادی سالم و پایدار در کشور ایفا کند *(وزارت‌امور اقتصاد و دارایی، ۱۳۸۴)*. بازنگری در نظام مالیات کشور از سالهای پایانی دهه ۱۳۶۰ خورشیدی آغاز شد، ضرورت تدوین و طراحی نظام نوین مالیاتی کشور با هدف بهسازی و توسعهٔ امور مالیاتی و بهبود روشها، برای نخستین بار در قالب تبصرهٔ ۳۵ قانون بودجهٔ سال ۱۳۶۹ خورشیدی مورد توجه قرار گرفت. نظر به اهمیت اجرای طرح نزد ارکان سیاستگذاری و اجرایی

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

کشور، قانونگذار برای اجرای مؤثر این طرح و تسریع در ساماندهی نظام نوین مالیاتی کشور در قالب بند ب مادّهٔ ۵۹ قانون برنامهٔسوم توسعه کشور، دولت را مکلف کرد تا در طول برنامه «نظام جامع اطلاعات مالیاتی» را طراحی و اجرا کند. در همین راستا طرح نظام جامع مالیاتی کشور (طرح تارا[1]) درحال اجرا است. به منظور تحقق اهداف این طرح، نیاز به ایجاد زیرساختارهای مستحکمی برای سیاستهای مالیاتی است تا پس از طی مراحل قانونی در دستور کار سازمان امور مالیاتی کشور قرار گیرد. متأسفانه به دلیل آنکه مالیات نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد کشور نداشته، تجربهٔ تدوین سیاستهای مالیاتی در دامنهٔ بسیار محدودی و توسط اقتصاددانهای کلان کشور تعیین گردیده که البته در موارد مطرح شده نیز تمایز بین هدف، برنامه و دستورالعمل اجرایی از سیاست دشوار است. بنابراین در راستای طراحی و تدوین سیاستهای مالیاتی لازم است از خرد جمعی برخی از صاحبان منافع اصلی مالیات در بخشهای مختلف فعالیتهای اقتصادی که البته از مفاهیم تخصصی آن مطلع باشند، بهره برد. اما دسترسی و برقراری ارتباطات همزمان با آنان به‌سادگی میسر نیست. ضمناً پیشنهاد سیاستهای مالیاتی نیازمند چشم‌اندازی نسبتاً روشن از رخدادهای آینده همراه با تفکر و تدبری عمیق در مسایل اقتصادی و اجتماعی بوده که در محدودهٔ زمانی چند ساعته کافی به نظر نمی‌رسد. علاوه بر این چنین تجربه‌ای دست‌کم در دو نسل اخیر کشور وجود ندارد و نیازمند چالشهای فردی و گروهی برای دوام و قوام دیدگاههاست. از سوی دیگر هر یک از صاحبان منافع اصلی مالیات براساس درک و شناختی که از موارد پیشنهادی دارند، برداشتهای متفاوتی از مفهوم سیاستهای مالیاتی، میزان تأثیر آن بر اقتصادکشور و اولویت‌بندی اجرای آن دارند. صاحبان منافع مالیاتی به لحاظ نقش و جایگاه خود دارای دیدگاههای متفاوتی هستند که طراحی سیستمی منطقی و منصفانه را به منظور امکان درک درستی از مسأله، فارغ از تعصبات صنفی و فردی، بسیارضروری می‌سازد.

ضمناً میزان ارتباط موارد پیشنهادی با مفهوم سیاستهای‌مالیاتی و میزان تأثیر آنها بر اقتصادکشور و اولویت‌بندی اجرای آنها را نمی‌توان از طریق روشهای قطعی یا از طریق فرایندهای تصادفی ارزیابی کرد. در واقع به دلیل کلان بودن ابعاد مسأله تحت بررسی، نمی‌توان به اطلاعات دقیق و کامل دسترسی داشت. از سوی دیگر خبرگان (صاحبان منافع اصلی مالیات) در حل مسأله بر اساس صلاحیت فردی و ذهنیت خود اظهارنظر می‌نمایند. لذا به منظور رفع موانع مربوط به عدم دقت و صراحت در مسأله از نظریهٔ فازی استفاده می‌شود. در این راستا متغیرهای زبانی ابزار مؤثری برای نمایش اطلاعات نادقیق هستند.

[1] Tax Administration Reform & Automation (TARA)

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

در این مقاله تلاش می‌شود تا سیاستهای مالیاتی کشور از طریق خرد جمعی تعیین گردد. بنابراین روش دلفی که یکی از روشهای تصمیم‌گیری گروهی است مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته به‌دلیل وجود ویژگی‌هایی از جمله ابعاد کلان مسأله، عدم دسترسی به اطلاعات دقیق و نظرات فردی و ذهنی، نظریهٔ فازی نیز باید در آن ادغام گردد لذا از روش دلفی فازی برای برقراری ارتباطات مؤثر با خبرگان و صاحبان منافع استفاده کرده تا ضمن ایجاد تعامل لازم بین آنان، دیدگاههای آنان را به سوی اجماع عمومی سوق دهد.

۳- مروری بر روش دلفی فازی

در اوایل دههٔ ۱۹۵۰ میلادی طرحی در نیروی هوایی امریکا به سرپرستی دالکی[1] از شرکت رند[2]، به منظور بررسی نظرهای‌خبرگان درمورد اینکه چند بمب اتمی روسیه موجب خسارت معیّنی در امریکا می‌شود، مشهور به پروژهٔ دلفی[3] گردید و از آنجا روشی موسوم به روش "دلفی" برای بررسی قضاوت خبرگان به‌وجود آمد *(دالکی،۱۹۶۳)*. هدف از این روش دسترسی به مطمئن‌ترین توافق گروهی خبرگان دربارهٔ موضوعی خاص است که با استفاده از پرسشنامه و نظرخواهی از خبرگان، بدفعات، با توجه به بازخورد حاصل از آنها صورت می‌پذیرد. در واقع این روش بررسی کاملی بر عقاید خبرگان، با سه ویژگی اصلی است: پاسخ بیطرفانه به سؤالات (پرسشنامه‌ها)، تکرار دفعات ارسال سؤالات (پرسشنامه) و دریافت بازخورد از آنها، و تجزیه و تحلیل آماری از پاسخ به سؤالات به صورت گروهی. درروش دلفی داده‌های ذهنی افراد خبره با استفاده از تحلیل‌های آماری به داده‌های تقریباً عینی تبدیل می‌شود. این روش منجر به اجماع در تصمیم‌گیری می‌گردد. روش دلفی در زمینه‌های متعدد پیش‌بینی و تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گرفته است *(آذر و فرجی، ۱۳۸۱)*. برخی از موارد کاربرد آن عبارتند از: آینده‌نگاری فنّاوری، تجزیه و تحلیل خدمات دولتی، ابداعات آموزشی، طراحی و برنامه‌ریزی *(اصغرپور، ۱۳۸۲)*، پیش‌بینی‌جهت‌گیری سازمانها *(لو[4]، ۲۰۰۲)* و بخش‌بندی مشتریان و شناخت مناسبترین گروه برای برنامه‌ریزی *(نیگر[5] و همکاران، ۲۰۰۱)*.

در دنیای پیرامون ما نمی‌توان موضوعات را به دو یا چند دستهٔ سفید یا سیاه تقسیم کرد، بلکه هر موضوع در یک طیف می‌گنجد. استفاده از اعداد قطعی در حل مسائلی از جمله پیش‌بینی و سیاستگذاری منجر به نتایجی خواهد شد که به‌دور از واقعیت هستند. ضمناً در بسیاری از موارد ازجمله بررسی‌کارایی، میزان رضایتمندی یا

---

[1] Dalkey
[2] RAND
[3] Delphi
[4] Loo
5 Neiger

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

توسعه طراحی‌ها براساس نظر مشتریان و ... استفاده از متغیرهای زبانی توسط خبرگان متداولتر و راحتتر است. این نکات موجب پدید آمدن روش دلفی فازی شده است.

روش‌دلفی‌فازی در دهه ۱۹۸۰ میلادی توسط کافمن و گوپتا[1] ابداع شد *(چنگ و لین، ۲۰۰۲)*. کاربرد این روش به‌منظور تصمیم‌گیری و اجماع بر مسائلی که اهداف و پارامترها بصراحت مشخص نیستند، منجر به نتایج بسیار ارزنده‌ای می‌شود. ویژگی مهم این روش، ارائه چارچوبی انعطاف‌پذیر است که بسیاری از موانع مربوط به عدم دقت و صراحت را تحت پوشش قرار می‌دهد. بسیاری از مشکلات در تصمیم‌گیری‌ها مربوط به اطلاعات ناقص و نادقیق است. همچنین تصمیمهای اتخاذ شدهٔ خبرگان بر اساس صلاحیت فردی آنان و بشدت ذهنی است. بنابراین بهتر است داده‌ها به جای اعداد قطعی با اعداد فازی نمایش داده شوند.

مراحل اجرایی روش‌دلفی‌فازی در واقع ترکیبی از اجرای روش‌دلفی و انجام تحلیلها بر روی اطلاعات با استفاده از تعاریف نظریهٔ مجموعه‌های فازی است. الگوریتم اجرای روش دلفی فازی در شکل۱ نمایش‌داده شده است.

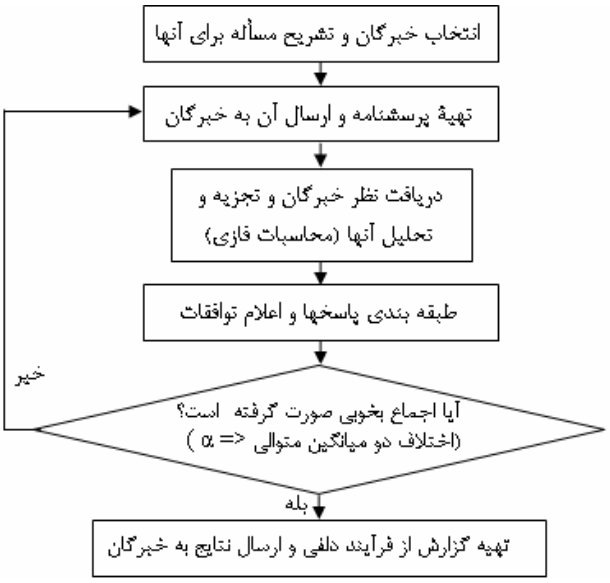

شکل۱- الگوریتم اجرای روش دلفی فازی

مهمترین تفاوتهای روش دلفی فازی با روش دلفی به شرح زیر است *(آذر و فرجی، ۱۳۸۱)*:

معمولاً خبرگان نظریات خود را درقالب حداقل‌مقدار، ممکن‌ترین مقدار و حداکثر مقدار(اعداد فازی مثلثی) ارائه می‌دهند، سپس میانگین نظر خبرگان (اعداد ارائه شده) و میزان اختلاف نظر هر فرد خبره از میانگین محاسبه می‌شود آنگاه این اطلاعات برای اخذ نظریات جدید به خبرگان ارسال می‌شود. در مرحلهٔ بعد هر فرد خبره بر

[1] Kaufman and Gupta

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

اساس اطلاعات حاصل از مرحلهٔ قبل نظر جدیدی را ارائه می‌دهد یا نظر قبلی خود را اصلاح می‌کند. این فرایند تا زمانی ادامه می‌یابد که میانگین اعداد فازی به اندازه کافی با ثبات شود. علاوه بر این چنانچه مطالعهٔ نظر زیرگروههایی از خبرگان نیز لازم باشد، می‌توان با محاسبهٔ فاصلهٔ بین اعداد مثلثی نظریات خبرگان را بر اساس روابط‌فازی درگروههای مشابه مورد شناسایی قرارداد و اطلاعات مربوط به‌آنها را به‌خبرگان موردنظر ارسال کرد. البته روشهای دیگری نیز برای روش‌دلفی فازی ارائه شده، که کاربرد آنها نسبت به روش فوق بسیار کمتر بوده است. ایشی‌کاوا[1] وهمکاران دو روش دلفی فازی با عناوین دلفی‌فازی بیش-کم[2] ودلفی‌فازی از طریق یکپارچگی فازی پیشنهادکرده‌اند. چانگ[3] وهمکاران از ارزش بازه‌ای[4] به همراه آمارفازی و روش جستجوی شیب گرادیان بهره برده و روش جدیدی را برای دلفی فازی ارائه کرده‌اند *(چانگ و همکاران، ۲۰۰۰)*. در مقالات کاربردهای متعددی از روش دلفی‌فازی به‌چشم می‌خورد. چینگ‌چنگ[5] و ین‌لین[6] روش‌دلفی‌فازی را به همراه تصمیم‌گیری گروهی چند معیاره فازی و رتبه‌بندی اعداد فازی به منظور ارزیابی بهترین ادوات جنگی به‌کاربرده‌اند *(چنگ و لین، ۲۰۰۲)*. در تحقیقی دیگر کارساک[7] روش‌دلفی‌فازی را در کنار تصمیم‌گیری چندهدفهٔ فازی به منظور اولویت‌بندی نیازهای طراحی در بکارگیری عملکرد کیفی[8] استفاده‌کرده‌است *(کارساک، ۲۰۰۴)*. سیونگ چانگ[9] و همکاران روش‌دلفی‌فازی را به‌منظور تخمین بازهٔزمانی قابل اطمینان برای هر فعالیت به کار برده‌اند، سپس بر این اساس زمان فازی تکمیل پروژه و درجه‌بحرانی[10] برای هرمسیر در پروژه را به شیوهٔ کارایی محاسبه کرده‌اند *(چانگ و همکاران،۱۹۹۵)*. یوآن‌لی وزیاوو لیا[11] در تحقیقی با استفاده از روش‌دلفی فازی سعی کرده‌اند تا سطح ریسک[12] عوامل ریسکی را به منظور ارزیابی ریسک در ائتلاف شرکتها اندازه‌گیری کنند *(لی‌و لیا، ۲۰۰۴)*.

در بررسی‌های صورت گرفته کاربرد روش دلفی فازی در سیاستگذاری و به ویژه سیاستگذاری مالیاتی مشاهده نشد گرچه همانگونه که در ابتدای این بخش ذکر گردید روش دلفی در تعیین جهت‌گیریهای سازمانها مورد استفاده قرار گرفته است. در این مقاله هدف آن است که از روش دلفی فازی برای تعیین سیاستهای مالیاتی در ایران استفاده شود.

---

[1] Ishikawa
[2] Max-Min FDM
[3] Chang
[4] Interval- Valued
[5] Ching Cheng
[6] Yin Lin
[7] Karsak
[8] Quality Function Deployment (QFD)
[9] Seong Chang
[10] Degree of Criticality
[11] Yuan Li, Xiuwu Liao
[12] Risk level

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

۴- اجرای روش دلفی فازی در تعیین سیاستهای مالیاتی

هستهٔ اولیه تعریف پروژه تعیین سیاستهای مالیاتی از طریق روش دلفی فازی در مدیریت طرح نظام جامع مالیاتی کشور (طرح تارا) شکل‌گرفت. در واقع در اولین مرحله از اجرای روش دلفی فازی، ستاد عملیاتی و تصمیم‌گیری شامل نمایندگانی از دفتر طرح تارا و نیز نمایندگانی از سازمان امور مالیاتی کشور ایجاد شد. پس از آن گامهای عملیاتی روش دلفی فازی به شرح زیر برداشته شد:

۴-۱- انتخاب خبرگان

پس از تشکیل ستاد عملیاتی و تصمیم‌گیری باید خبرگان انتخاب شده و در خصوص مسأله توجیه شوند. برخی ویژگیهای اصلی برای انتخاب خبرگان بدین‌شرح است: با مسأله موردبحث درگیر باشند، اطلاعات مداوم از مسأله را برای همکاری داشته باشند، دارای انگیره برای شرکت در فرایند دلفی باشند و احساس کنند اطلاعات حاصل از یک توافق گروهی برای خود آنها نیز ارزشمند خواهد بود *(اصغرپور، ۱۳۸۲)*.

با توجه به سطح کلان مسألهٔ تعریف سیاستهای مالیاتی، گروههای متعددی در حل این مسأله ذی‌نفع هستند، لذا باید تا حد امکان خبرگان به‌نحوی انتخاب شوند که نمایندهٔ خوبی از صاحبان منافع باشند. در غیر این‌صورت جامعیت سیاستهای مالیاتی حاصل، مورد شک و تردید خواهد بود. عمده‌ترین صاحبان‌منافع سیاستهای‌مالیاتی عبارتنداز: وزارت امور اقتصاد و دارایی، سازمان‌مدیریت وبرنامه‌ریزی، مدیران ارشد و کارکنان سازمان امورمالیاتی کشور، متخصصان و استادان مرتبط در دانشگاهها، انجمنها و تشکلهای مربوط به امور مالیاتی و مؤدیان.

ویژگی دیگر خبرگان منتخب، لزوم داشتن نگرشی جامع و از ابعاد مختلف تخصصی و جایگاهی نسبت به سیاستهای مالیاتی است؛ بنابراین در میان خبرگان منتخب باید افرادی از گروههای زیر حضور داشته باشند:

الف-درون (بخشهای مختلف) و برون سازمان امور مالیاتی کشور، ب- اقتصاددانان

ج-متخصصان مفاهیم راهبردی، د- مدیران و مشاوران طرح تارا

باتوجه‌به‌ویژگیهای‌مذکورنهایتاًچهل‌نفرازخبرگان‌انتخاب‌شدندوآمادگی‌اولیه‌برای‌اجرای طرح برای‌آنان به وجود آمد.

۴-۲- استخراج و تبیین گزینه‌های پیشنهادی

دراین مرحله، هدف تعیین حدود و ثغور سیاستهای‌مالیاتی است. در این‌خصوص اشاره به‌نکات ذیل‌ضروری است: در سند برنامهٔ توسعهٔ پنجساله سوم، کاهش اتکای بودجهٔ دولت به درآمدهای نفت از طریق راهکارهای زیر در نظر گرفته شده است *(سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸)*:

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

الف- بسط پایه‌های مالیاتی

ب- کاستن از معافیتها و تخفیف‌های مالیاتی

ج- وضع مالیات بر ارزش افزوده

د- جلوگیری از راههای فرار مالیاتی

ضمناً در این سند اشاره شده است که «وزارت امور اقتصاد و دارایی موظف است طی سه سال اول برنامهٔ سوم توسعه، نسبت به طراحی و راه‌اندازی نظام جامع مالیاتی کشور اقدام کند و با گردآوری و پردازش اطلاعات مربوط به فعالیتهای اقتصادی مؤدیان مالیاتی‌درشبکهٔ فراگیر، روش خوداظهاری را در نظام مالیاتی کشور توسعه و ترویج دهد» *(سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸)*.

در قانون برنامهٔ چهارم توسعه، نکات اصلی مربوط به سیاستهای مالیاتی، به شرح زیر بیان شده است *(سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳)*:

الف-دولت مکلف است سهم اعتبارات هزینه‌ای تأمین شده از محل درآمدهای غیرنفتی دولت را به‌گونه‌ای افزایش دهد که تا پایان برنامهٔ چهارم، اعتبارات هزینه‌ای دولت به‌طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیرنفتی تأمین گردد (مادّهٔ ۲ سند).

ب-برقراری هر گونه تخفیف، ترجیح یا معافیت از پرداخت مالیات (اعم از مستقیم یا غیرمستقیم) و حقوق ورودی علاوه بر آنچه که در قانون مربوطه تصویب شده است برای اشخاص حقیقی و حقوقی در طی سالهای این برنامه ممنوع می‌باشد (مادّهٔ ۴ سند).

ج-بندهای الف و ب و نیز کلیه مالیاتهای مستقیم کالا و خدمات (به استثنای مالیات بر شرکتهای دولتی و حقوق و ورودی) به عنوان درآمد وصول از طریق خزانه‌داری به خزانهٔ معین استان واریز می‌گردد تا در همان استان هزینه شود (مادّهٔ ۸۲ سند).

د-اعمال سیاستهای مالیاتی با هدف بازتوزیع عادلانهٔ درآمدها (بند ب مادّهٔ ۹۵ سند)

ضمناً در بند۵۱ چشم‌انداز بیست‌ساله *(چشم‌اندازجمهوری‌اسلامی‌ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی)*، نقش درآمدهای مالیات بدین صورت مورد تأکید قرار گرفته است: «تلاش برای قطع اتکای هزینه‌های جاری به نفت و تأمین آن ازمحل درآمدهای‌مالیاتی و اختصاص عواید نفت برای توسعهٔسرمایه‌گذاری براساس کارایی و بازدهی».

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود حدّ و مرز مشخصی برای سیاستهای مالیاتی تعیین نشده است. لیکن می‌توان بر اساس این اصول کلّی، چارچوبی را برای کسب نظر خبرگان طراحی کرد. در اوّلین گام از خبرگان خواسته شد تا با توجه به بندهای فوق، گزاره‌هایی را که می‌تواند بیانگر سیاست مالیاتی دولت باشد، بیان کنند. پس از دریافت

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

پاسخ و بررسی دیدگاههای خبرگان، پیشنهادهای مشابه و یا نزدیک به هم در یکدیگر ادغام شد و مجدداً فهرست جدید در اختیار خبرگان قرار گرفت.

با دریافت و بررسی نظریات جدید مشخص شد می‌توان عبارت «درآمد مالیاتی باید همهٔ هزینه‌های جاری دولت را پوشش دهد» را به‌عنوان هدف اصلی برنامهٔ چهارم توسعه در نظر گرفت ضمن اینکه سیاستهای مالیاتی پیشنهادی زیر می‌توانند ابزاری برای تحقق این هدف تلقی شوند:

الف- گسترش پایه‌های مالیاتی ازطریق پیاده‌سازی مالیاتهای جدید

ب- افزایش نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص ملی

ج- کاهش بار مالیات از بخش تولید و سرمایه‌گذاری به سمت مالیات بر مصرف

د- بازنگری و بهبود قوانین مالیاتی

ه- جلوگیری از وضع معافیتهای مالیاتی جدید (با هدف افزایش درآمدهای مالیاتی) و کاهش پیچیدگی، فرار و ترفندهای مالیاتی

و- کاهش فاصله بین درآمد بالفعل مالیات و درآمد بالقوهٔ مالیات

ز- ایجادتناسب منطقی درترکیب درآمدهای‌مالیاتی (درآمد،مصرف‌وثروت) باهدف‌بازتوزیع عادلانهٔ درآمدها

ج- گسترش‌وترویج روش‌خوداظهاری به‌منظورتمکین‌مؤدیان درپرداخت‌مالیات‌وکاهش هزینهٔ‌وصول مالیات

با توجه به این نکات لازم است پرسشنامه‌ای به منظور اخذ دیدگاههای خبرگان در خصوص میزان ارتباط موارد پیشنهادی با مفهوم سیاستهای مالیاتی، میزان تأثیر آنها بر اقتصاد کشور و اولویت‌بندی آنها در اجرا طراحی گردد. لیکن با توجه به ابهام موجود در مفاهیم کاربردی، پرسشنامهٔ مذکور بر اساس متغیرهای فازی طراحی شد که در ادامه راجع به آن بحث می‌شود.

۴-۳- تعریف متغیرهای زبانی

همچنانکه اشاره‌شد پرسشنامه باهدف کسب‌نظرخبرگان راجع‌به‌میزان ارتباط مواردپیشنهادی بامفهوم سیاستهای مالیاتی، میزان تأثیر آنها بر اقتصاد کشور و حدود اولویت‌بندی اجرا طراحی شده است. لذا خبرگان باید از طریق متغیرهایی این مقادیر «میزان» را بیان می‌کردند. از آنجاکه سؤالهای طرح شده بسیار کلان بوده و نیز نتایج آنها در آینده مشخص‌خواهدشد (و به‌نوعی پیش‌بینی تأثیر انتخابهایی در اقتصاد کشور است) و ضمناً عوامل متعددی برسؤالها و پاسخهای آنها دخیل هستند، لذا استفاده ازمتغیرهایی باارزشهای‌قطعی، خبرگان را در اظهارنظر دچار مشکل خواهدکرد. به‌همین دلیل واضح است که متغیرهای کیفی آزادی عمل بیشتری را به خبرگان می‌دهد.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

استفاده ازمتغیرهای‌کیفی مانند «کم»، «متوسط»، «زیاد» و ... مشکلات فوق را تا حدودزیادی حل خواهد نمود، لیکن مشکل دیگری را ایجاد می‌کند. ذهنیت افراد نسبت به متغیرهای کیفی مانند: کم یا زیاد، یکسان نیست. خصوصیات متفاوت افراد برتعابیرذهنی آنها نسبت به‌متغیرهای‌کیفی اثرگذار است، مانندااینکه برخی افراد نگرش سخت‌گیرانه و برخی نگرش آسان‌گیرانه دارند، برخی از افراد خوش‌بین و برخی دیگر بدبین هستند. در نتیجه تجزیه‌وتحلیل برروی متغیرهای منتج از ذهنیت و تعابیر مختلف فاقد ارزش خواهد بود. به همین دلیل با تعریف دامنهٔ متغیرهای کیفی، خبرگان باذهنیت یکسان به‌سؤالها پاسخ خواهند داد. لذا متغیرهای کیفی به صورت اعداد فازی ذوزنقه‌ای شکل۲ تعریف می‌شود: کم : (۴، ۲، ۰، ۰)، متوسط : (۷، ۶، ۴، ۳)، زیاد : (۱۰، ۱۰، ۸، ۶)

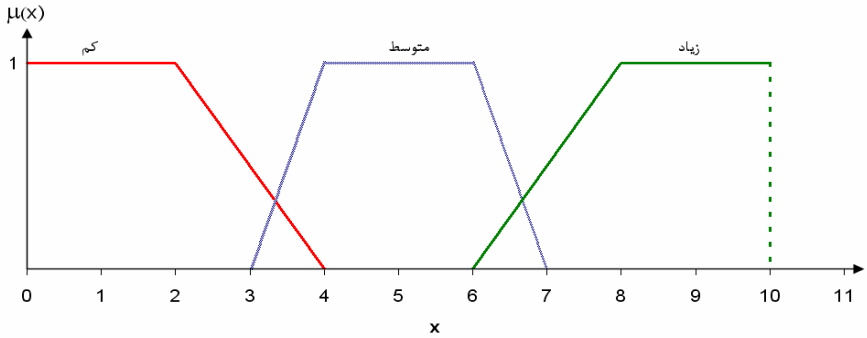

شکل ۲ – تابع عضویت متغیرهای زبانی

۴-۴- تعیین سیاستها

با توجه به گزینه‌های پیشنهادی در بخش ۴-۲ و متغیرهای زبانی تعریف شده در بخش ۴-۳، پرسشنامهٔ مورد نظر طراحی شد. نتایج حاصل از بررسی پاسخهای پرسشنامه در جدول۱ آمده است؛ همانگونه که مشاهده می‌شود، شش پیشنهاد جدید نیز دریافت شده است.

بر اساس نتایج موجود در جدول۱، میانگین میزان ارتباط بند پیشنهادی با مفهوم سیاستهای مالیاتی، میزان تأثیر آن بر اقتصاد کشور و حدود اولویت‌بندی اجرا، در خصوص هر یک از موارد پیشنهادی با توجه به روابط زیر *(چنگ و لین، ۲۰۰۲)* محاسبه شده است.

$$A^{(i)} = (a_1^{(i)} , a_2^{(i)} , a_3^{(i)} , a_4^{(i)}), \quad i= 1, 2, ..., n \qquad (۱)$$

$$A_m = (a_{m1} , a_{m2} , a_{m3} , a_{m4}) = (1/n \sum a_1^{(i)} , 1/n \sum a_2^{(i)} , 1/n \sum a_3^{(i)} , 1/n \sum a_4^{(i)}) \qquad (۲)$$

در این روابط $A^{(i)}$ بیانگر دیدگاه خبره i ام و A_m بیانگر میانگین دیدگاههای خبرگان است. نتایج این محاسبات در جدول۲ آمده است.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

جدول۱ – نتایج شمارش پاسخهای پرسشنامه نخست

ردیف	سیاستهای مالیاتی پیشنهادی	مفهوم سیاستهای مالیاتی			تأثیر بر اقتصاد			اولویت‌بندی اجرا		
		کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد
۱	گسترش پایه‌های مالیاتی ازطریق پیاده سازی مالیاتهای جدید	۱	۱	۲۹	۱	۸	۲۲	۱	۷	۲۳
۲	افزایش نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص ملی	۲۳	۵	۱	۱۱	۴	۱۰	۵	۵	۹
۳	کاهش بار مالیات از بخش تولید و سرمایه‌گذاری به سمت مالیات بر مصرف	۲۲	۴	۲	۷	۱۳	۱۰	۱۴	۱۱	۴
۴	بازنگری و یا بهبود قوانین مالیاتی	۲	۶	۲۳	۱	۹	۲۱	۱	۶	۲۵
۵	جلوگیری از وضع معافیتهای مالیاتی جدید با هدف افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش پیچیدگی، فرار و ترفندهای مالیات	۳	۱۸	۱۰	۱	۱۸	۱۰	۴	۱۴	۱۳
۶	کاهش فاصله مابین درآمد بالفعل مالیات و درآمد بالقوه مالیات	۱	۶	۲۲	۲	۸	۱۸	۲	۷	۱۹
۷	ایجاد تناسب منطقی در ترکیب درآمدهای مالیاتی (درآمد، مصرف و ثروت) با هدف بازتوزیع عادلانه درآمدها	۳	۱۳	۹	۴	۱۱	۱۵	۶	۱۴	۱۰
۸	گسترش و ترویج روش خوداظهاری به منظور تمکین مؤدیان در پرداخت مالیات و کاهش هزینه وصول مالیات	۳	۹	۱۸	۶	۱۰	۱۳	۲	۱۰	۱۸
	پیشنهادهای جدید									
۱	اصلاح فرایندها و ساختار سازمانی و ارتقای توان تخصصی منابع انسانی به منظور افزایش اثربخشی و کارایی فعالیتها و جلب رضایت مؤدیان									
۲	ارتقا و اشاعهٔ فرهنگ مالیاتی									
۳	اعمال مالیات بر مجموع درآمدها									
۴	گسترش ایجاد و استفاده از پایگاههای اطلاعاتی فعالیتهای اقتصادی مؤدیان									
۵	بسط و گسترش همکاریهای منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت تعامل فعال با اقتصاد جهانی[1]									
۶	گسترش استفاده از خدمات تخصصی و فنی حسابداران رسمی									

[1] در نگاه اول شاید نتوان ارتباطی میان این سیاست پیشنهادی و مالیات برقرار کرد. ولیکن چنانچه اقتصاد ایران بخواهد با اقتصاد جهانی در تعامل باشد می‌باید از قواعد اقتصاد جهانی مطلع شد و در صورت حضور نمایندگانی از کشور در فرایند تدوین این قواعد، مسلماً منافع کشور نیز مدّ نظر قرار خواهد گرفت. به‌عنوان مثال هم‌اکنون مذاکراتی میان کشورهای مختلف به منظور توافق برای "اجتناب از پرداخت مالیات مضاعف" انجام می‌شود که ایران نیز در آن شرکت دارد. اجتناب از پرداخت مالیات مضاعف، بدین معناست که در صورت فعالیت در بازارهای بین‌المللی، تنها در یک کشور مالیات پرداخت گردد در نتیجه هزینه‌ها بی‌جهت افزایش نیافته و می‌توان رقابتی‌تر عمل کرد.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

جدول۲ – میانگین دیدگاههای خبرگان حاصل از پرسشنامه نخست

ردیف	سیاستهای مالیاتی پیشنهادی	میانگین‌میزان ارتباط با مفهوم‌سیاستهای مالیاتی	میانگین میزان تأثیر بر اقتصاد	میانگین حدود اولویت‌بندی اجرا
۱	گسترش پایه‌های مالیاتی ازطریق پیاده‌سازی مالیاتهای جدید	[۹/۷، ۹/۶، ۷/۶، ۵/۷]	[۹، ۸/۷، ۶/۷، ۵]	[۹/۱، ۸/۸، ۶/۸، ۵/۱]
۲	افزایش نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص ملی	[۴/۷، ۱/۳، ۰/۷]	[۶/۹، ۵/۸، ۳/۸، ۲/۹]	[۷/۶، ۶/۸، ۴/۸، ۳/۶]
۳	کاهش بار مالیات از بخش تولید و سرمایه‌گذاری به سمت مالیات بر مصرف	[۴/۹، ۳/۱، ۱/۱، ۰/۹]	[۷/۳، ۶/۴، ۴/۴، ۳/۳]	[۶، ۴/۶، ۲/۶، ۲]
۴	بازنگری و یا بهبود قوانین مالیاتی	[۹، ۸/۷، ۶/۷، ۵]	[۸/۹، ۸/۶، ۶/۶، ۴/۹]	[۹/۳، ۹، ۷، ۵/۳]
۵	جلوگیری از وضع معافیتهای مالیاتی جدید با هدف افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش پیچیدگی، فرار و ترفندهای مالیات	[۷/۷، ۶/۹، ۴/۹، ۳/۷]	[۷/۹، ۷/۲، ۵/۲، ۳/۹]	[۷/۹، ۷/۲، ۵/۲، ۳/۹]
۶	کاهش فاصله مابین درآمد بالفعل مالیات و درآمد بالقوهٔ مالیات	[۹/۲، ۸/۹، ۶/۹، ۵/۲]	[۸/۷، ۸/۳، ۶/۳، ۴/۷]	[۸/۸، ۸/۴، ۶/۴، ۴/۸]
۷	ایجاد تناسب منطقی در ترکیب درآمدهای مالیاتی (درآمد، مصرف و ثروت) با هدف باز توزیع عادلانه درآمدها	[۷/۶، ۶/۸، ۴/۸، ۳/۶]	[۸/۱، ۷/۵، ۵/۵، ۴/۱]	[۷/۴، ۶/۵، ۴/۵، ۳/۴]
۸	گسترش و ترویج روش خود اظهاری به منظور تمکین مؤدیان در پرداخت مالیات و کاهش هزینه وصول مالیات	[۸/۵، ۸، ۶، ۴/۵]	[۷/۷، ۷، ۵، ۳/۷]	[۸/۶، ۸/۱، ۶/۱، ۴/۶]

باتوجه به جدولهای۱ و۲، اختلاف نظر هر یک از خبرگان از میانگین مطابق با رابطهٔ۳ *(چنگ و لین، ۲۰۰۲)* محاسبه شد:

$$(a_{m1} - a_1^{(i)} , a_{m2} - a_2^{(i)}, a_{m3} - a_3^{(i)} , a_{m4} - a_4^{(i)}) =(1/n \sum a_1^{(i)} - a_1^{(i)}, 1/n \sum a_2^{(i)} - a_2^{(i)}, 1/n \sum a_3^{(i)} - a_3^{(i)} , 1/n \sum a_4^{(i)} - a_4^{(i)}) \quad (۳)$$

اینک می‌توان بر اساس نتایج حاصل از رابطهٔ۳، پرسشنامهٔ دیگری تنظیم کرد که در آن اختلاف محاسبه شده مربوط به هر فرد خبره ثبت شده است. در این‌صورت براساس ارزیابی مجدّد هر خبره از نظر قبلی خود، می‌توان نتایج جدیدی را به‌دست آورد. نتایج حاصل از این پرسشنامهٔ جدید(دوم) در جدول۳ و نتایج حاصل از محاسبهٔ میانگین نظریات خبرگان در جدول۴ آمده است. شایان ذکر است که پیشنهادهای جدید در ردیفهای نهم به بعد جدولهای۳ و ۴ ارائه شده است.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

جدول۳ – نتایج شمارش پاسخهای پرسشنامهٔ دوم

ردیف	سیاستهای مالیاتی پیشنهادی	مفهوم سیاستهای مالیاتی			تأثیر بر اقتصاد			اولویت‌بندی اجرا		
		کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد
۱	گسترش پایه‌های مالیاتی ازطریق پیاده‌سازی مالیاتهای جدید	۰	۱	۳۴	۰	۶	۲۶	۰	۶	۲۵
۲	افزایش نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص ملی	۲۴	۷	۰	۱۵	۸	۲	۸	۵	۱
۳	کاهش بار مالیات از بخش تولید و سرمایه‌گذاری‌به‌سمت مالیات بر مصرف	۲۵	۶	۰	۱۰	۱۵	۵	۱۹	۱۲	۱
۴	بازنگری و یا بهبود قوانین مالیاتی	۰	۸	۲۴	۰	۹	۲۳	۰	۵	۲۸
۵	جلوگیری از وضع معافیتهای مالیاتی جدید باهدف افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش پیچیدگی، فرار و ترفندهای مالیات	۱	۲۶	۵	۰	۲۰	۱۰	۲	۱۹	۱۱
۶	کاهش فاصله مابین درآمد بالفعل مالیات و درآمد بالقوه مالیات	۰	۵	۲۳	۱	۱۰	۱۸	۱	۸	۱۹
۷	ایجاد تناسب منطقی در ترکیب درآمدهای مالیاتی (درآمد، مصرف و ثروت) با هدف بازتوزیع عادلانه درآمدها	۲	۲۲	۷	۱	۱۵	۱۴	۲	۲۰	۸
۸	گسترش و ترویج روش خود اظهاری به منظور تمکین مؤدیان در پرداخت مالیات و کاهش هزینه وصول مالیات	۱	۱۰	۱۹	۲	۱۴	۱۵	۰	۱۴	۱۸
۹	اصلاح فرایندها و ساختار سازمانی و ارتقای توان تخصصی منابع انسانی به منظور افزایش اثربخشی و کارایی فعالیتها و جلب رضایت مؤدیان	۳۰	۱	۰	۱۰	۰	۰	۱	۱	۶
۱۰	ارتقا و اشاعهٔ فرهنگ مالیاتی	۲۵	۰	۰	۱۱	۲	۰	۰	۱	۱۲
۱۱	اعمال مالیات بر مجموع درآمدها	۰	۱	۲۵	۱	۵	۲۲	۰	۲	۱۶
۱۲	گسترش ایجاد و استفاده از پایگاههای اطلاعاتی فعالیتهای اقتصادی مؤدیان	۲۴	۲	۰	۹	۱	۰	۲	۵	۱۰
۱۳	بسط و گسترش همکاریهای منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت تعامل فعال با اقتصاد جهانی	۲۳	۲	۰	۵	۶	۱	۲	۱	۱۱
۱۴	گسترش استفاده از خدمات تخصصی و فنی حسابداران رسمی	۲۰	۲	۰	۸	۱	۰	۱	۸	۶

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

جدول۴ – میانگین نظریات خبرگان حاصل از پرسشنامهٔ دوم

ردیف	سیاستهای مالیاتی پیشنهادی	میانگین میزان ارتباط با مفهوم سیاستهای مالیاتی	میانگین میزان تأثیر بر اقتصاد	میانگین حدود اولویت‌بندی اجرا
۱	گسترش پایه‌های مالیاتی ازطریق پیاده‌سازی مالیاتهای جدید	[۹/۹، ۹/۹، ۷/۹، ۵/۹]	[۹/۴، ۹/۳، ۷/۳، ۵/۴]	[۹/۴، ۹/۳، ۷/۳، ۵/۴]
۲	افزایش نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص ملی	[۴/۷، ۲/۹، ۰/۹، ۰/۷]	[۵/۴، ۳/۹، ۱/۹، ۱/۴]	[۵/۵، ۴، ۲، ۱/۵]
۳	کاهش بار مالیات از بخش تولید و سرمایه‌گذاری به سمت مالیات بر مصرف	[۴/۶، ۲/۸، ۰/۸، ۰/۶]	[۶/۵، ۵/۳، ۳/۳، ۲/۵]	[۵/۳، ۳/۸، ۱/۸، ۱/۳]
۴	بازنگری و یا بهبود قوانین مالیاتی	[۹/۳، ۹، ۷، ۵/۳]	[۹/۲، ۸/۹، ۶/۹، ۵/۲]	[۹/۵، ۹/۴، ۷/۴، ۵/۵]
۵	جلوگیری از وضع معافیتهای مالیاتی جدید با هدف افزایش درآمدهای مالیاتی وکاهش پیچیدگی،فرار و ترفندهای مالیات	[۷/۴، ۶/۵، ۴/۵، ۳/۴]	[۸، ۷/۳، ۵/۳، ۴]	[۷/۸، ۷/۱، ۵/۱، ۳/۸]
۶	کاهش فاصله مابین درآمد بالفعل مالیات و درآمد بالقوه مالیات	[۹/۵، ۹/۳، ۷/۳، ۵/۵]	[۸/۸، ۸/۳، ۶/۳، ۴/۸]	[۸/۹، ۸/۶، ۶/۶، ۴/۹]
۷	ایجاد تناسب منطقی در ترکیب درآمدهای مالیاتی (درآمد، مصرف و ثروت) با هدف باز توزیع عادلانه درآمدها	[۷/۵، ۶/۶، ۴/۶، ۳/۵]	[۸/۳، ۷/۷، ۵/۷، ۴/۳]	[۷/۶، ۶/۸، ۴/۸، ۳/۶]
۸	گسترش و ترویج روش خوداظهاری به منظور تمکین مؤدیان در پرداخت مالیات و کاهش هزینه وصول مالیات	[۸/۸، ۸/۴، ۶/۴، ۴/۸]	[۸/۳، ۷/۷، ۵/۷، ۴/۳]	[۸/۷، ۸/۳، ۶/۳، ۴/۷]
۹	اصلاح فرایندها و ساختار سازمانی و ارتقای توان تخصصی منابع انسانی به منظور افزایش اثربخشی‌وکارایی‌فعالیتهاوجلب‌رضایت‌مؤدیان	[۴/۱، ۲/۱، ۰/۱، ۰/۱]	[۴، ۲، ۰، ۰]	[۸/۹، ۸/۶، ۶/۶، ۴/۹]
۱۰	ارتقا و اشاعهٔ فرهنگ مالیاتی	[۴، ۲، ۰، ۰]	[۴/۵، ۲/۶، ۰/۶، ۰/۵]	[۹/۸، ۹/۷، ۷/۷، ۵/۸]
۱۱	اعمال مالیات بر مجموع درآمدها	[۹/۹، ۹/۸، ۷/۸، ۵/۹]	[۹/۳، ۹، ۷، ۵/۳]	[۹/۷، ۹/۶، ۷/۶، ۵/۷]
۱۲	گسترش ایجاد و استفاده از پایگاههای اطلاعاتی فعالیتهای اقتصادی مؤدیان	[۴/۲، ۲/۳، ۰/۳، ۰/۲]	[۴/۳، ۲/۴، ۰/۴، ۰/۳]	[۸/۴، ۷/۹، ۵/۹، ۴/۴]
۱۳	بسط و گسترش همکاریهای منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت تعامل فعال با اقتصاد جهانی	[۴/۲، ۲/۳، ۰/۳، ۰/۲]	[۶، ۴/۷، ۲/۷، ۲]	[۸/۹، ۸/۶، ۶/۶، ۴/۹]
۱۴	گسترش استفاده از خدمات تخصصی و فنی حسابداران رسمی	[۴/۳، ۲/۴، ۰/۴، ۰/۳]	[۴/۳، ۲/۴، ۰/۴، ۰/۳]	[۸، ۷/۳، ۵/۳، ۴]

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

در گام بعد اختلاف میانگینهای دو مرحلهٔ اول و دوم (پرسشنامه‌های اول و دوم) با استفاده از روابط فاصلهٔ میان اعداد فازی و بر اساس رابطهٔ۴ محاسبه شده و در جدول۵ ذکر شده است. چنانچه این اختلاف میانگین از حد آستانهٔ کم (مثلاً ۰/۲) کمتر شود، فرایند متوقف می‌شود *(چنگ و لین، ۲۰۰۲)*.

$$S(A_{m2}, A_{m1}) = \left| \frac{1}{4} \left[(a_{m21} + a_{m22} + a_{m23} + a_{m24}) - (a_{m11} + a_{m12} + a_{m13} + a_{m14}) \right] \right| \quad (۴)$$

جدول۵ – اختلاف میانگین نظرات خبرگان در مراحل ۱ و۲ (پرسشنامه‌های اول و دوم)

ردیف	سیاستهای مالیاتی پیشنهادی	اختلاف‌میانگین‌میزان‌ارتباط با مفهوم سیاستهای مالیاتی	اختلاف میانگین میزان تأثیر بر اقتصاد	اختلاف‌میانگین حدوداولویت‌بندی‌اجرا
۱	گسترش پایه‌های مالیاتی از طریق پیاده‌سازی مالیاتهای جدید	۰/۲۵	۰/۵	۰/۳۵
۲	افزایش‌نسبت‌درآمدهای‌مالیاتی‌به‌تولیدناخالص ملی	۰/۰۵	۱/۷	۲/٤۵
۳	کاهش بار مالیات از بخش تولید و سرمایه‌گذاری به سمت مالیات بر مصرف	۰/۳	۰/۹۵	۰/۷۵
۴	بازنگری و یا بهبود قوانین مالیاتی	۰/۳	۰/۳	۰/۳
۵	جلوگیری از وضع معافیتهای مالیاتی جدید با هدف‌افزایش‌درآمدهای مالیاتی وکاهش پیچیدگی، فرار و ترفندهای مالیات	۰/۳۵	۰/۱	۰/۱
۶	کاهش فاصله مابین درآمد بالفعل مالیات و درآمد بالقوه مالیات	۰/۳۵	۰/۰۵	۰/۱۵
۷	ایجاد تناسب منطقی در ترکیب درآمدهای مالیاتی (درآمد،مصرف‌وثروت) با هدف باز توزیع عادلانه درآمدها	۰/۱۵	۰/۲	۰/۲۵
۸	گسترش‌وترویج‌روش‌خوداظهاری به منظور تمکین مؤدیان‌درپرداخت‌مالیات‌وکاهش‌هزینهٔ‌وصول‌مالیات	۰/۳۵	۰/٦۵	۰/۱۵
۹	اصلاح فرایندها و ساختار سازمانی و ارتقای توان تخصصی منابع انسانی به منظور افزایش اثربخشی و کارایی فعالیتها و جلب رضایت مؤدیان	–	–	–
۱۰	ارتقا و اشاعهٔ فرهنگ مالیاتی	–	–	–
۱۱	اعمال مالیات بر مجموع درآمدها	–	–	–
۱۲	گسترش ایجاد و استفاده از پایگاههای اطلاعاتی فعالیتهای اقتصادی مؤدیان	–	–	–
۱۳	بسط وگسترش همکاریهای منطقه‌ای و بین‌المللی درجهت تعامل فعال با اقتصاد جهانی	–	–	–
۱۴	گسترش استفاده از خدمات تخصصی و فنی حسابداران رسمی	–	–	–

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

با توجه به اینکه اختلاف میانگینها بیش از ۰/۲ می‌باشد لذا پس از محاسبه اختلاف نظر خبرگان نسبت به میانگین، پرسشنامهٔ جدیدی طراحی و به خبرگان ارسال می‌شود. نتایج مرحلهٔ سوم نظرسنجی حاصل از این پرسشنامه بررسی، محاسبه و در جداول ۶ و ۷ ارائه شده است.

اختلاف میانگینهای دو مرحلهٔ دوم و سوم (پرسشنامه‌های دوم و سوم) با استفاده از رابطهٔ۴ محاسبه و در جدول۸ نمایش داده شده است.

جدول۶ – نتایج شمارش پاسخهای پرسشنامهٔ سوم

ردیف	سیاستهای مالیاتی پیشنهادی	مفهوم‌سیاستهای‌مالیاتی			تأثیر بر اقتصاد			اولویت‌بندی اجرا		
		کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد
۱	گسترش پایه‌های مالیاتی ازطریق پیاده‌سازی مالیاتهای جدید	۰	۰	۳۴	۰	۷	۲۶	۰	۶	۲۶
۲	افزایش نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص ملی	۲۵	۵	۰	۱۵	۱۱	۰	۷	۶	۰
۳	کاهش بار مالیات از بخش تولید و سرمایه‌گذاری به سمت مالیات بر مصرف	۲۵	۵	۰	۱۰	۱۵	۴	۲۰	۱۲	۱
۴	بازنگری و یا بهبود قوانین مالیاتی	۰	۸	۲۵	۰	۹	۲۳	۰	۴	۲۸
۵	جلوگیری از وضع معافیتهای مالیاتی جدید با هدف افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش پیچیدگی، فرار و ترفندهای مالیات	۰	۲۶	۵	۰	۲۱	۱۰	۲	۱۹	۱۰
۶	کاهش فاصله مابین درآمد بالفعل مالیات و درآمد بالقوه مالیات	۰	۵	۲۳	۰	۱۱	۱۸	۱	۸	۲۰
۷	ایجاد تناسب منطقی در ترکیب درآمدهای مالیاتی (درآمد، مصرف و ثروت) با هدف باز توزیع عادلانه درآمدها	۱	۲۳	۷	۱	۱۵	۱۴	۲	۲۰	۸
۸	گسترش و ترویج روش خود اظهاری به منظور تمکین مؤدیان در پرداخت مالیات و کاهش هزینه وصول مالیات	۰	۱۱	۱۹	۲	۱۵	۱۵	۰	۱۴	۱۸
۹	اصلاح فرایندها و ساختار سازمانی و ارتقای توان تخصصی منابع انسانی به منظور افزایش اثربخشی‌وکارایی‌فعالیتهاو جلب رضایت مؤدیان	۳۰	۱	۰	۱۰	۰	۰	۱	۱	۶
۱۰	ارتقا و اشاعهٔ فرهنگ مالیاتی	۲۵	۰	۰	۱۱	۳	۰	۰	۲	۱۴
۱۱	اعمال مالیات بر مجموع درآمدها	۰	۰	۲۵	۰	۵	۲۲	۰	۲	۱۸
۱۲	گسترش ایجاد و استفاده از پایگاههای اطلاعاتی فعالیتهای اقتصادی مؤدیان	۲۵	۲	۰	۹	۱	۰	۲	۵	۱۱
۱۳	بسط‌وگسترش‌همکاریهای منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت تعامل فعال بااقتصاد جهانی	۲۲	۱	۰	۴	۶	۱	۲	۲	۱۲
۱۴	گسترش استفاده از خدمات تخصصی و فنی حسابداران رسمی	۲۰	۱	۰	۹	۱	۰	۱	۸	۷

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

جدول۷ – میانگین نظرات خبرگان حاصل از پرسشنامهٔ سوم

ردیف	سیاستهای مالیاتی پیشنهادی	میانگین میزان ارتباط با مفهوم سیاستهای مالیاتی	میانگین میزان تأثیر بر اقتصاد	میانگین حدود اولویت‌بندی اجرا
۱	گسترش پایه‌های مالیاتی از طریق پیاده‌سازی مالیاتهای جدید	[۱۰، ۱۰، ۸، ۶]	[۹/۴، ۹/۳، ۷/۳، ۵/۴]	[۹/۴، ۹/۳، ۷/۳، ۵/۴]
۲	افزایش نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص ملی	[۴/۵، ۲/۷، ۰/۷، ۰/۵]	[۵/۳، ۳/۷، ۱/۷، ۱/۳]	[۵/۴، ۳/۸، ۱/۸، ۱/۴]
۳	کاهش بار مالیات از بخش تولید و سرمایه‌گذاری به سمت مالیات بر مصرف	[۴/۵، ۲/۷، ۰/۷، ۰/۵]	[۶/۴، ۵/۲، ۳/۲، ۲/۴]	[۵/۳، ۳/۷، ۱/۷، ۱/۳]
۴	بازنگری و یا بهبود قوانین مالیاتی	[۹/۳، ۹، ۷، ۵/۳]	[۹/۲، ۸/۹، ۶/۹، ۵/۲]	[۹/۶، ۹/۵، ۷/۵، ۵/۶]
۵	جلوگیری از وضع معافیتهای مالیاتی جدید با هدف افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش پیچیدگی، فرار و ترفندهای مالیات	[۷/۵، ۶/۶، ۴/۶، ۳/۵]	[۸، ۷/۳، ۵/۳، ۴]	[۷/۸، ۷، ۵، ۳/۸]
۶	کاهش فاصله مابین درآمد بالفعل مالیات و درآمد بالقوه مالیات	[۹/۵، ۹/۳، ۷/۳، ۵/۵]	[۸/۹، ۸/۵، ۶/۵، ۴/۹]	[۹، ۸/۶، ۶/۶، ۵]
۷	ایجاد تناسب منطقی در ترکیب درآمدهای مالیاتی (درآمد، مصرف و ثروت) با هدف باز توزیع عادلانه درآمدها	[۷/۶، ۶/۸، ۴/۸، ۳/۶]	[۸/۳، ۷/۷، ۵/۷، ۴/۳]	[۷/۶، ۶/۸، ۴/۸، ۳/۶]
۸	گسترش و ترویج روش خود اظهاری به منظور تمکین مؤدیان در پرداخت مالیات و کاهش هزینهٔ وصول مالیات	[۸/۹، ۸/۵، ۶/۵، ۴/۹]	[۸/۲، ۷/۶، ۵/۶، ۴/۲]	[۸/۷، ۸/۳، ۶/۳، ۴/۷]
۹	اصلاح فرایندها و ساختار سازمانی و ارتقای توان تخصصی منابع انسانی به منظور افزایش اثربخشی‌وکارایی‌فعالیتهاوجلب رضایت مؤدیان	[۴/۱، ۲/۱، ۰/۱، ۰/۱]	[۴، ۲، ۰، ۰]	[۸/۹، ۸/۵، ۶/۵، ۴/۹]
۱۰	ارتقا و اشاعهٔ فرهنگ مالیاتی	[۴، ۲، ۰، ۰]	[۴/۶، ۲/۹، ۰/۹، ۰/۶]	[۹/۶، ۹/۵، ۷/۵، ۵/۶]
۱۱	اعمال مالیات بر مجموع درآمدها	[۱۰، ۱۰، ۸، ۶]	[۹/۴، ۹/۳، ۷/۳، ۵/۴]	[۹/۷، ۹/۶، ۷/۶، ۵/۷]
۱۲	گسترش ایجاد و استفاده از پایگاههای اطلاعاتی فعالیتهای اقتصادی مؤدیان	[۴/۲، ۲/۳، ۰/۳، ۰/۲]	[۴/۳، ۲/۴، ۰/۴، ۰/۳]	[۸/۵، ۸، ۶، ۴/۵]
۱۳	بسط‌وگسترش همکاریهای‌منطقه‌ای وبین‌المللی درجهت‌تعامل‌فعال‌بااقتصاد جهانی	[۴/۱، ۲/۲، ۰/۲، ۰/۱]	[۶/۲، ۴/۹، ۲/۹، ۲/۲]	[۸/۹، ۸/۵، ۶/۵، ۴/۹]
۱۴	گسترش استفاده از خدمات تخصصی و فنی حسابداران رسمی	[۴/۱، ۲/۲، ۰/۲، ۰/۱]	[۴/۳، ۲/۴، ۰/۴، ۰/۳]	[۸/۱، ۷/۵، ۵/۵، ۴/۱]

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

جدول۸ – اختلاف میانگین نظرات خبرگان در مراحل ۲ و۳ (پرسشنامه‌های دوم و سوم)

ردیف	سیاستهای مالیاتی پیشنهادی	اختلاف میانگین میزان ارتباط با مفهوم سیاستهای مالیاتی	اختلاف میانگین میزان تأثیر بر اقتصاد	اختلاف میانگین حدود اولویت‌بندی اجرا
۱	گسترش پایه‌های مالیاتی از طریق پیاده‌سازی مالیاتهای جدید	۰/۱	۰/۰ ۵	۰/۰ ۵
۲	افزایش نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص ملی	۰/۲	۰/۱۵	۰/۱۵
۳	کاهش بار مالیات از بخش تولید و سرمایه‌گذاری به سمت مالیات بر مصرف	۰/۱	۰/۱	۰/۰ ۵
۴	بازنگری و یا بهبود قوانین مالیاتی	۰	۰	۰/۱
۵	جلوگیری از وضع معافیتهای مالیاتی جدید با هدف افزایش درآمدهای مالیاتی وکاهش پیچیدگی،فرار وترفندهای مالیات	۰/۱	۰	۰/۰ ۵
۶	کاهش فاصلهٔ مابین درآمد بالفعل مالیات و درآمد بالقوه مالیات	۰	۰/۱۵	۰/۰ ۵
۷	ایجاد تناسب منطقی در ترکیب درآمدهای مالیاتی (درآمد، مصرف و ثروت) با هدف باز توزیع عادلانه درآمدها	۰/۱۵	۰	۰
۸	گسترش و ترویج روش خود اظهاری به منظور تمکین مؤدیان در پرداخت مالیات و کاهش هزینهٔ وصول مالیات	۰/۱	۰/۱	۰
۹	اصلاح فرایندها و ساختار سازمانی و ارتقای توان تخصصی منابع انسانی به منظور افزایش اثربخشی و کارایی فعالیتها و جلب رضایت مؤدیان	۰	۰	۰
۱۰	ارتقا و اشاعه فرهنگ مالیاتی	۰	۰/۲	۰/۲
۱۱	اعمال مالیات بر مجموع درآمدها	۰/۱۵	۰/۲	۰
۱۲	گسترش ایجاد و استفاده از پایگاههای اطلاعاتی فعالیتهای اقتصادی مؤدیان	۰	۰	۰/۱
۱۳	بسط وگسترش همکاریهای منطقه‌ای و بین‌المللی‌درجهت‌تعامل‌فعال‌بااقتصاد جهانی	۰/۱	۰/۲	۰/۰ ۵
۱۴	گسترش استفاده از خدمات تخصصی و فنی حسابداران رسمی	۰/۲	۰	۰/۱۵

همچنانکه ملاحظه می‌شود اختلاف میانگینها در جدول۸ کمتر از ۰/۲ است لذا فرایند دلفی فازی متوقف می‌شود. در واقع می‌توان گفت در این مرحله اجماع خوبی میان خبرگان پدید آمده است.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

اینک با بررسی جدول۷، می‌توان نتیجه گرفت بندهای پیشنهادی ۲، ۳، ۹، ۱۰، ۱۲ و ۱۴ ، که میزان ارتباط آنها با مفهوم سیاستهای مالیاتی در محدودهٔ «کم» می‌گنجد، قابل حذف هستند. ضمناً بند ۱۱ «اعمال مالیات بر مجموع درآمدها» در واقع زیر مجموعهٔ بند ۱ «گسترش پایه‌های مالیاتی ازطریق پیاده‌سازی مالیاتهای جدید» است، لذا بند ۱۱ را نیز می‌توان حذف کرد. بنابراین می‌توان شش بند از بندهای پیشنهادی را به شرح جدول ۹ به عنوان سیاستهای مالیاتی در نظر گرفت.

جدول ۹ – سیاستهای نهایی مالیاتی با توجه به فرایند دلفی فازی

ردیف	سیاستهای مالیاتی پیشنهادی	میانگین میزان ارتباط با مفهوم سیاستهای مالیاتی	میانگین میزان تأثیر بر اقتصاد	میانگین حدود اولویت‌بندی اجرا
۱	گسترش پایه‌های مالیاتی ازطریق پیاده‌سازی مالیاتهای جدید	[۱۰، ۱۰، ۸، ۶]	[۹/۴، ۹/۳، ۷/۳، ۵/۴]	[۹/۴، ۹/۳، ۷/۳، ۵/۴]
۲	بازنگری و یا بهبود قوانین مالیاتی	[۹/۳، ۹، ۷، ۵/۳]	[۹/۲، ۸/۹، ۶/۹، ۵/۲]	[۹/۶، ۹/۵، ۷/۵، ۵/۶]
۳	جلوگیری از وضع معافیتهای مالیاتی جدید با هدف افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش پیچیدگی، فرار و ترفندهای مالیات	[۷/۵، ۶/۶، ۴/۶، ۳/۵]	[۸، ۷/۳، ۵/۳، ۴]	[۷/۸، ۷، ۵، ۳/۸]
۴	کاهش فاصله مابین درآمد بالفعل مالیات و درآمد بالقوه مالیات	[۹/۵، ۹/۳، ۷/۳، ۵/۵]	[۸/۹، ۸/۵، ۶/۵، ۴/۹]	[۹، ۸/۶، ۶/۶، ۵]
۵	ایجاد تناسب منطقی در ترکیب درآمدهای مالیاتی (درآمد، مصرف و ثروت) با هدف بازتوزیع عادلانه درآمدها	[۷/۶، ۶/۸، ۴/۸، ۳/۶]	[۸/۳، ۷/۷، ۵/۷، ۴/۳]	[۷/۶، ۶/۸، ۴/۸، ۳/۶]
۶	گسترش و ترویج روش خود اظهاری به منظور تمکین مؤدیان در پرداخت مالیات و کاهش هزینهٔ وصول مالیات	[۸/۹، ۸/۵، ۶/۵، ۴/۹]	[۸/۲، ۷/۶، ۵/۶، ۴/۲]	[۸/۷، ۸/۳، ۶/۳، ۴/۷]

در جدول فوق به‌عنوان مثال خبرگان درخصوص بند پیشنهادی «گسترش پایه‌های مالیاتی از طریق پیاده‌سازی مالیاتهای جدید» به این اجماع رسیدند که ارتباط آن با مفهوم سیاستهای مالیاتی در بدترین (بدبینانه‌ترین) حالت برابر با عدد ۶ (از میان اعداد ۰ تا ۱۰) و در بهترین (خوش‌بینانه‌ترین) حالت برابر با عدد ۱۰ (از میان اعداد ۰ تا ۱۰) و بطور معمول می‌توان آن را در حد اعداد ۸ تا ۱۰ قرار داد. به‌عبارت دیگر اعداد فازی بیانگر ارتباط زیاد این بند با مفهوم سیاست مالیاتی است.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

۵ - نتیجه‌گیری

در این مقاله با استفاده از روش دلفی فازی و با استفاده از دیدگاههای حدود چهل نفر از خبرگان منتخب در زمینه‌های مرتبط با مالیات، به بررسی بندهای مختلف پیشنهادی به عنوان سیاستهای مالیاتی پرداخته شد و در نهایت از میان چهارده بند پیشنهادی، شش بند زیر در راستای تحقق هدف "درآمد مالیاتی باید همهٔ هزینه‌های جاری دولت را پوشش دهد"، به عنوان سیاستهای اصلی مالیاتی کشور در طیّ برنامهٔ پنجسالهٔ چهارم تعیین گردیدند:

- گسترش پایه‌های مالیاتی از طریق پیاده‌سازی مالیاتهای جدید
- بازنگری و یا بهبود قوانین مالیاتی
- جلوگیری از وضع معافیتهای مالیاتی جدید با هدف افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش پیچیدگی، فرار و ترفندهای مالیات
- کاهش فاصله مابین درآمد بالفعل مالیات و درآمد بالقوه مالیات
- ایجاد تناسب منطقی در ترکیب درآمدهای مالیاتی (درآمد، مصرف و ثروت) با هدف بازتوزیع عادلانه درآمدها
- گسترش و ترویج روش خوداظهاری به‌منظور تمکین مؤدیان در پرداخت مالیات و کاهش هزینهٔ وصول مالیات

همچنین تاثیر هر یک از موارد فوق بر اقتصاد و نیز اولویت‌بندی اجرای آنها نیز مشخص شد. با توجه به این نتایج می‌توان نکات اصلی اعمال روش دلفی فازی را به شرح زیر خلاصه کرد:

الف- امکان مدلسازی نظریّات غیر قطعی، کیفی و توأم با عدم قطعیّت

ب- سهولت در بیان ذهنیت خبرگان از طریق متغیرهای زبانی فازی

ج- رضایتمندی در تصمیم‌گیران (خبرگان) بدلیل داشتن سهم برابر در تصمیم

د- ذهنیت یکسان در قبال متغیرهای انتخابی

بدیهی است این شیوه بویژه در مسائل مهمی (مانند انتخاب سیاستهای مالیاتی) که دارای حساسیتهای فراوان اجتماعی و اقتصادی است از کارایی بسیاری برخوردار است و نتایج آن به دلیل روشمندی ریاضی از پذیرش خوبی در میان صاحبنظران برخوردار است.

تشکر و قدردانی

در خاتمه لازم می‌دانیم که از راهنمایی‌های آقای دکتر کورش قاسمی مشاور ارشد طرح تارا که نظرات و ایده‌های ارزشمند ایشان راهگشا در تهیه این مقاله بوده است سپاس و قدردانی به عمل بیاوریم.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

۶- منابع و مأخذ

۱. آذر،عادل و فرجی، حجت، علم مدیریت فازی، مرکز مطالعات و بهره‌وری ایران، انتشارات اجتماع، ۱۳۸۱

۲. اصغرپور ، محمدجواد، تصمیم‌گیری گروهی و نظریه بازیها با نگرش تحقیق در عملیات، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۲

۳. چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام

۴. سازمان امور مالیاتی کشور، معاونت توسعه مدیریت و منابع، گزارش عملکرد سازمان امور مالیاتی کشور در سال ۱۳۸۳، ناشر گفتار نیک، زمستان ۱۳۸۳

۵. سازمان برنامه و بودجه، سند برنامه، برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، پیوست‌شماره۲ لایحه‌برنامه (جلد اول)، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، شهریور ۱۳۷۸

۶. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳

۷. وزارت‌اموراقتصادو دارایی، سازمان امور مالیاتی کشور، معاونت برنامه‌ریزی و پژوهشی، طرح برنامه‌ریزی استراتژیک سازمان‌امورمالیاتی‌کشور، بیانیه مأموریت، چشم‌انداز وارزشهای سازمان‌امورمالیاتی‌کشور، ۱۳۸۴

8. Chang, Ping-Teng, Huang, Liang-Chih, Lin, Horng-Jiun, 2000, "*The fuzzy Delphi via fuzzy statistics and membership function fitting and an application to the human resources*", Fuzzy Sets and Systems, 2000, Vol.112, p.511

9. Chang, In Seong, Tsujimura, Yasuhiro, Gen, Mitsuo, Tozawa, Tatsumi, 1995, *"An efficient approach for large scale project planning based on fuzzy Delphi method"*, Fuzzy Sets and Systems, 1995, Vol.76, p.277

10. Cheng, Ching-Hsue, Lin, Yin, 2002, *"Evaluating the best main battle tank using fuzzy decision theory with linguistic criteria evaluation"*, European Journal of Operational Research, 2002, Vol.142, p.147

11. Dalkey ,Norman, Helmer, Olaf, 1963, *"An experimental application of the Delphi method to the use of experts"*, Management Science, 1963, Vol.9, No.3, p. 458

12. European Commission, 2000, *Tax policy in the European Union*, © European Communities, 2000

13. Karsak, E.Ertugrul, 2004, *"Fuzzy multiple objective decision making approach to prioritize design requirements in quality function deployment"*, International Journal of Production Research, 2004, Vol.42, No.18, p.3957

14. Li, Yuan, Liao, Xiuwu, 2007, *"Decision support for risk analysis on dynamic alliance",* Decision Support Systems, 2007, Vol.42, No.4, p.2043

15. Loo,Robert, 2002, *"The Delphi method: a powerful tool for strategical management"*, Policing: An International Journal of Police Strategies & Management, 2002, Vol.25, No.4, p.762

16. Neiger, Brad L., Barnes, Michael D., Thacheray, Rosemary, Lindman, Natalie, *"Use of the Delphi method and Nominal Group Technique in front-end market segmentation"*, American Journal of Health Studies, 2001,Vol.17, No.3, p.111

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

Applying Fuzzy Delphi Method for Developing Tax Policies

Niloofar Jafari
Ph.D. Student of Industrial Engineering

Gh.A Montazer*
Assistant Professor of IT Engineering

Faculty of Engineering, Tarbiat Modarres University, Tehran, P.O.Box:14115-179
montazer@modares.ac.ir

Abstract: Based on the Iran's Fourth Five-Year Development Plan, national costs should be covered through non-oil resources. But according to statistics, Tax-GDP ratio is about 36 in Iran which means too many efforts by policy makers and executives. Although having effective tax policies is an important factor in achieving tax goals, developing these policies is a multi-dimensional and difficult job. Furthermore it needs tax stakeholders' ideas from different sections in economic activities. But these experts have different meanings about tax policy or tax policy effects on country economy or their priority for execution on their minds.

In this paper the Delphi method is used for group decision making for developing tax policies and the fuzzy theory notions are applied for modeling both linguistic variables and the vagueness in experts' ideas. Accordingly the most important tax policies are developed by running three rounds in Fuzzy Delphi method. The conclusive tax policies are based on experts' consensus and include the uncertainty in ideas.

Keywords: Tax, Tax policy, Fuzzy logic, Linguistic variable, Fuzzy Delphi method

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1387.8.1.2.9]

* Corresponding Author